



یادداشتی بر کتاب دولت و جامعه مدنی

آنتونیو گرامشی : تئوریسین

سیاست و فرهنگ

• محمدرضا عدل

کیفیت و کمیت تألیفات سیاسی، بیش از هر چیز بیانگر نقاط قوت، ضعف و میزان آگاهی سیاسی در جامعه است. در جهان معاصر: احزاب سیاسی، دانشکده‌های علوم سیاسی، کتاب و مطبوعات، منابع عمده‌ی صورت‌بندی و توزیع آگاهی‌های سیاسی به شمار می‌روند.

در کشور ما، ایران، نویسندگان و خبرنگاران مطبوعات در زمینه‌ی اشاعه و توزیع اطلاعات و آگاهی‌های سیاسی به مراتب فعال‌تر از اهل تألیف و ترجمه بوده‌اند. در حقیقت مطبوعات مابه‌طور کلی و اساساً سیاسی هستند.

بعد از سال‌های اولیه‌ی انقلاب، که نقطه اوج انتشار کتاب‌های سیاسی بود، چاپ و پخش این نوع کتاب‌ها از سال ۶۰ به بعد رو به افول نهاد و این دوران رکود تا میانه‌ی دهه‌ی ۷۰ ادامه داشت. اما، از شروع دهه‌ی ۷۰ به بعد، شاهد تحرک محسوسی در زمینه‌ی نشر کتاب‌های مربوط به سیاست، فلسفه‌ی سیاسی و نظریه پردازان سیاست، اعم از ایرانی و خارجی بوده‌ایم که این خود نشانگر رشد کیفی آگاهی سیاسی در جامعه است.

«دولت و جامعه‌ی مدنی» - که اخیراً در فضای سیاسی جدید، همراه با ده‌ها



گرامشی، هنگامی که در ۲۷ آوریل ۱۹۳۷ در بیمارستان زندان ایتالیای فاشیست در گذشت، ۳۳ دفترچه، حاوی ۲۸۴۸ صفحه یادداشت به جا گذاشت. این یادداشت‌ها که به گفته خود او عصاره جان دوازده سال آخر عمرش بود، شامل مطالبی است که آن‌ها را هم چون سکان و تکیه‌گاهی برای مقابله و مبارزه با فشارهای روانی و جسمانی فاشیست‌ها به شمار می‌آورد.

عنوان کتاب سیاسی دیگر منتشر شده است، کتابی است صرفاً سیاسی از یک تئوریسین سیاست؛ آنتونیو گرامشی. دیدگاه‌های آنتونیو گرامشی در حوزه‌ی ادبیات سیاسی - مارکسیستی، سرفصل جدیدی را در این حوزه گشوده است.

در خصوص تفسیر اندیشه‌های گرامشی اختلاف نظرهای عمده‌ای وجود دارد. علی‌رغم این اختلاف نظرها پیرامون اندیشه‌ی گرامشی، در میان مفسران ادبیات سیاسی مارکسیسم، یک وحدت نظر وجود دارد و آن اینکه گرامشی، همراه با کارل کرش و لوکاچ، مارکسیسم ارتودکس را چنان بازسازی کرد که جایی برای نفوذ و اثر اندیشه و نیز تأثیر نیرومند اراده‌ی انسان در آن پدید آمد.

گرامشی که از مارکسیسم ارتودکس پوزیتیویست سرخورده شده بود، نقش برجسته‌تری به اندیشه‌های فرهنگی و روشنفکری بخشید.

گرامشی، هنگامی که در ۲۷ آوریل ۱۹۳۷ در بیمارستان زندان ایتالیای فاشیست در گذشت، ۳۳ دفترچه، حاوی ۲۸۴۸ صفحه یادداشت، به جا گذاشت. این یادداشت‌ها، که به گفته‌ی خود او عصاره‌ی جان دوازده سال آخر عمرش بود، حاوی مطالبی است که آن‌ها را همچون سکان و تکیه‌گاهی برای مقابله و مبارزه با فشارهای روانی و جسمانی فاشیست‌ها به شمار می‌آورد.

این نامه‌ها، که در نهایت زیبایی نگارش یافته و سرشار از عواطف ناب انسانی‌اند، در عین حال عمق و

گسترده‌گی مطالعات گرامشی را هم نمایان می‌سازند و از ارزش ادبی، سیاسی و تاریخی خاصی برخوردارند.

دست‌نوشته‌های گرامشی بعد از مرگ او با عنوان «یادداشت‌های زندان» منتشر شد و توجه محافل روشنفکری را به خود جلب کرد.

مضمون اساسی یادداشت‌های زندان، تحلیل و تعلیل تاریخ ایتالیا، جزم‌اندیشی در مارکسیسم، نقش جامعه‌ی مدنی و ماهیت ایدئولوژی بورژوازی، ظهور فاشیسم در ایتالیا و سرانجام استراتژی و تاکتیک‌های مبارزاتی است.

استدلال‌های گرامشی بر اساس قرائتی از مارکسیسم قرار داشت که بسیار ظریف‌تر و پیچیده‌تر از برداشت‌های خام‌اندیشانه و «اکنونیستی» متداول بود. گرامشی بر نقش آگاهی و اختیار انسان تأکید داشت و ماتریالیسم منفعلانه‌ی مارکسیسم را مورد نقد و انتقاد قرار می‌داد و در عوض از نقش اراده‌ی انسان و فلسفه‌ی «پراکسیس» دفاع می‌کرد.

به نظر گرامشی، انسان صرفاً به عنوان این که خود جزیی از طبیعت است با طبیعت رابطه برقرار نمی‌کند، بلکه فعالانه و از طریق کار و فن وارد این رابطه می‌شود و این روابط ابزارگونه نیستند، بلکه فعال و آگاهانه‌اند.

همین تأکید بر نقش مستدل اندیشه‌ها و آگاهی انسان و تأثیر آن‌ها بر زیربنای اقتصادی جامعه و ویژگی شاخص اندیشه‌ی گرامشی را تشکیل می‌دهد.

گرامشی، درباره‌ی روبنا و زیربنای جامعه، نظری غیر از آنچه مارکسیست‌ها ابراز می‌کردند ارائه می‌دهد و معتقد نیست زیربنا که همان اقتصاد باشد روبنای جامعه را تعیین می‌کند و یا برعکس، بلکه وی می‌کوشید تا به نحو ظریفی نقش آگاهی را در ماتریالیسم تاریخی ادغام کند، و به همین خاطر است که صاحب نظری گفته است: «ماتریالیسم تاریخی می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای برای آگاهی قایل شود، بدون آن که به واسطه‌ی آن از اهمیت عامل اساسی اقتصادی کاسته شود. دست‌یابی به چنین هم‌نهادی کار اصلی گرامشی بود.»

گرامشی با تأکید بر استقلال اندیشه‌ها و فعالیت سیاسی به عنوان اموری مجزا از زیربنای اقتصادی در واقع اندیشه‌هایی را که از پیش در آثار مارکس وجود داشت، برجسته کرد و به صورتی منظم عرضه داشت.

تازگی اندیشه‌ی گرامشی به عنوان متفکری مارکسیست از آن‌ها جدا می‌شود که او، اساساً بر این نظر بود که اندیشه‌ها و ایدئولوژی، نقش عمده‌ای در تعیین ساخت‌های اقتصادی دارند و جامعه بورژوازی صرفاً بر اساس زور و اجبار آشکار مبتنی نیست، بلکه از طریق ایجاد اجماع و توافق عمل می‌کند. هژمونی (سلطه) مبین شکل ظریفی از سلطه‌ی فرهنگی است؛ یعنی توده‌ها با بهره‌گیری از وسایل سلطه‌ی فکری به سازش کشانده می‌شوند و یا سرکوب می‌گردند. ایدئولوژی بورژوازی نه تنها در درون طبقه‌ی حاکمه سلطه دارد، بلکه از



بعد از سال‌های اولیه انقلاب که نقطه اوج انتشار کتاب‌های سیاسی بود، چاپ و پخش این نوع کتاب‌ها از سال ۶۰ به بعد رو به افول نهاد و این دوران رکود تامیانه دهه ۷۰ ادامه داشت. اما از شروع دهه ۷۰ به بعد، شاهد تحرک محسوسی در زمینه نشر کتاب‌های مربوط به سیاست، فلسفه سیاسی و نظریه پردازان سیاست، اعم از ایرانی و خارجی بوده‌ایم که این خود نشانگر رشد کیفی آگاهی سیاسی در جامعه است.

طریق ابزارهایی چون اخلاق، زبان و جز آن در درون ذهن توده‌ها رسوخ می‌کند و مالا موجب جلب رضایت آن‌ها و مشروعیت دولت می‌گردد. بنابراین دولت صرفاً دستگاه سیاسی اعمال سلطه‌ی اجبار آمیز بر یک طبقه نیست، بلکه مجرای سلطه‌ی فکری است و واکنش مساعدی در بین توده‌ها ایجاد می‌کند. دولت در پی کسب مشروعیت از دیدگاه توده‌هاست.

گرامشی، در مواردی آشکارا مفاهیم جامعه‌ی سیاسی و جامعه‌ی مدنی را در دولت ادغام می‌کند. به گفته‌ی وی: «... برای برخی گروه‌های اجتماعی که از یک دوره‌ی طولانی رشد فرهنگی و اخلاقی مستقل برخوردار نبودند، یک دوره تجربه‌ی دولت‌داری نه تنها ضروری بلکه بسیار مغتنم است. این تجربه‌ی دولت‌داری چیزی جز همان شکل متعارف حیات دولت، و یا حداقل

آغاز حیات مستقل یک دولت و ایجاد جامعه‌ی مدنی نیست.»

نام آنتونیو گرامشی در میان قشر کتاب‌خوان ایران شناخته شده است. مقاله‌هایی از گرامشی در سال‌های ۴۸-۴۷ در مجله‌ی آرش شماره‌های ۱۶-۱۵ منتشر شده است و همچنین جلال‌آل احمد در کتاب «در خدمت و خیانت روشنفکران» ضمن استناد به نظر گرامشی، مطلبی با عنوان «پیدایش روشنفکران» رابه‌طور کامل ضمیمه کرده است. انتشارات امیرکبیر گزیده‌ای از آثار او را در سال ۵۸ منتشر کرد که شرح حال مفصلی درباره‌ی گرامشی دارد؛ و نیز کتابی با نام «شورای کارگری» ترجمه‌ی راهرو، تهران، ۱۳۵۸. «تزهایی درباره‌ی حزب کمونیست ایتالیا» تزهایی (رم)، ترجمه‌ی پیوند، ۱۳۵۸. تفسیری پیرامون نظر گرامشی درباره فاشیسم منتشر شده با نام آنتونیو گرامشی

وفاشیسم، ترجمه‌ی علی سیاهپوش، تهران، ۱۳۵۸.

به هر حال، مجموع آثاری که نام برده شد، بخش‌هایی از یادداشت‌های زندان! هستند که بخشی از آن را نیز عباس میلانی با عنوان «دولت و جامعه‌ی مدنی» ترجمه کرده است.

از آن جایی که این نوشته تحت شرایط خاص زندان و برای گریز از شرایط فاشیستی حاکم، با زبانی موجز و پراهم نوشته شده است، فهم مطالب را با پیچیدگی و دشواری خاصی مواجه کرده است و به همین علت مترجم فارسی کتاب، تأمل هر چه بیشتر در جملات و کلام گرامشی را پیش شرط درک و فهم مفاهیم و دیدگاه‌های او قرار می‌دهد و تا حد مقدور زیرنویس‌هایی، علاوه بر زیرنویس متن اصلی، افزوده است که خواننده را مددکار است.

به نظر گرامشی، انسان صرفاً به عنوان این که خودجزیی از طبیعت است با طبیعت رابطه برقرار نمی‌کند، بلکه فعالانه و از طریق کار و فن وارد این رابطه می‌شود و این روابط ابزارگونه نیستند، بلکه فعال و آگاهانه‌اند.